



نوآوری و خلاقیت، اساس پیشرفت

گزیده‌ای از بیانات

مقام معظم رهبری (مدظله)

است. کسی که بخواهد نوآوری کند، شیوه خوبی را برای تأمین عدالت پیدا می‌کند؛ اما در خوبی عدالت شک نمی‌کند. محبت به پدر و مادر و محبت به فرزند، یک امر طبیعی است؛ ممکن است کسی برای آن شیوه‌ای پیدا کند که تاکنون وجود نداشته است؛ اما در اصل این اصول کسی شک نمی‌کند. بنابراین، وقتی شما به نوآوری اشاره می‌کنید و می‌گویید جوان می‌خواهد نوآوری کند، لزوماً به آن معنی نیست که نوآوری شامل نوآوری‌های غیرمنطقی و نامعقول هم می‌شود. بنابراین، نوآوری درست مورد نظر است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
گفته می‌شود «جوانان در کجا اجازه دارند نوآوری کنند؟» باید بگوییم نوآوری اصلاً چیزی نیست که اجازه لازم داشته باشد و کسی که می‌خواهد نوآوری کند، نباید از کسی اجازه بگیرد. اگر میدانی وجود داشت، این نوآوری و خلاقیت به وجود خواهد آمد. من معتقدم نوآوری باید در همه زمینه‌ها انجام گیرد. معنای نوآوری این نیست که ما اصول پذیرفته‌شده منطقی و عقلانی خودمان را زیر سؤال ببریم. معنای نوآوری، پیشرفت و تکامل در امور است که رو به تکامل هستند. مثلاً عدالت چیز خوبی



بنده کاملاً موافق هستم که باید نوآوری شود؛ لیکن اینکه می‌گویید جامعه ما نمی‌پسندد، من این را نمی‌توانم خیلی از شما قبول کنم. حالا یا شما چون جوان هستید و داخل خانواده خودتان یا جای دیگر قرار دارید، خبری دارید که من ندارم؛ یا من چون تجربه بیشتر و اطلاعات زیادتری دارم، چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید؛ به‌رحال یکی از این دو تاست. من گمان می‌کنم که جامعه ما، جامعه‌ای است که از نوآوری استقبال می‌کند. یک نمونه‌اش همین است که شما در مورد حضرت امام (ره) اشاره کردید. امام بزرگوار

(ره) یک مرد هشتاد ساله بودند که در اواخر عمرشان فتاوی‌ای تازه‌ای صادر کردند. اینها نشان‌دهنده آن است که جامعه ما اصلاً جامعه‌ای است که با پدیده‌های نو و معقول و منطقی، کاملاً همساز و همخوان است.

خانواده‌های ما نیز همین‌طورند. البته ممکن است خانواده‌ها با برخی از «ازخارج‌شدن‌های جوانان» مقابله کنند که این هم منطقی است. نباید از پدران و مادران انتظار داشته باشید که به جوانشان اصلاً تذکر ندهند. هر جوانی به کمک فکری پدر و مادر خود احتیاج دارد. نباید تصور کرد که کمک‌های فکری پدر و مادر و امر و نهی‌های پدران و مادران و مشفقانه، جلو نوآوری جوان را می‌گیرد؛ نه، این‌طور نیست. من گمان نمی‌کنم آنجایی که نوآوری معقول و منطقی و صحیحی باشد، پدر و مادر یا به‌خصوص جامعه ما در مقابل آن بایستند؛ نه. امروز اصلاً تشویق به نوآوری، جزو شعارهای مکرر این جامعه و این نظام است.

ما نوآوری را دوست می‌داریم؛ منتها همان‌طور که شما هم در صحبت‌هایتان کاملاً توجه داشتید و به آن اشاره کردید و من هم تصریح کردم، نوآوری بایستی به نوآوری‌های غیرمنطقی و گاهی نابخردانه منتهی نشود؛ یعنی انسان با هر چه که سنت است، با هر چه که از نسل قبل است، یا قدیمی است، به صرف اینکه من می‌خواهم نوآوری کنم، مبارزه نکند. این اصلاً منطقی نیست؛ این را عقل نمی‌پذیرد. نوآوری، یعنی در آن میدان‌هایی که حرکت

تکاملی وجود دارد، بایستی ما آن را پیش ببریم. بنابراین، از جوانان این انتظار هست که نوآوری و خلاقیت کنند.

البته ورزش‌های بومی ما- ورزش‌هایی که مربوط به سابقه و فرهنگ گذشته ماست- متأسفانه مهجور است و دست خود ما نیست. خیلی از ورزش‌ها در کشور ما مهجور است و من در آن دیدار از آنها اسم آوردم. چوگان که جزو ورزش‌های قدیمی ماست؛ بعضی از این ورزش‌های زورخانه‌ای هم، ورزش‌های خیلی خوبی است. اینها می‌تواند در دنیا مطرح شود. اصلاً ما می‌توانیم ورزش‌هایی را در دنیا ابداع کنیم. یک روز فوتبال در دنیا نبود؛ اما آن را به‌وجود آوردند. یک روز بسکتبال در دنیا نبود؛ اما آن را به‌وجود آوردند. بنابراین چرا ورزشکاران ایرانی و صاحب‌نظران ایرانی در ورزش، نوآوری نکنند؟ الان صحبت نوآوری بود؛ یکی از میدان‌های نوآوری، ورزش است. نوآوری کنند، کارهای جدید بکنند؛ هم در مسائل ورزشی، هم در خود ورزش.

در ورزش همگانی هم باید گام‌های اساسی برداریم. چون این صحبت‌ها را جوانان و عموم مردم خواهند شنید، من واقعاً همه را به ورزش سفارش می‌کنم. بنده گاهی صبح‌ها به ارتفاعات شمال تهران می‌روم و از اینکه بعضی وقت‌ها می‌بینم آنجا خلوت است، واقعاً غصه‌ام می‌شود. گاهی اوقات هم اتفاق می‌افتد که جمعه‌ها وقت شلوغی می‌روم و می‌بینم که جمعیت زیاد است، خوشحال می‌شوم. معتقدم که خدای متعال یک وسیله مفت و مجانی



من همه را به ورزش توصیه می‌کنم. پهلوانان و قهرمانان و متخصصان و فنانون ورزش را به نوآوری، به جدیت و کوشش در کسب مهارت‌های بیشتر و قدرت بدنی بیشتر، برای اینکه در میدان‌های بین‌المللی پیش بروند، توصیه می‌کنم. کسانی را هم که مسئولان این مجموعه‌های ورزشی هستند، توصیه می‌کنم به اینکه هرچه می‌توانند، برای ورزشکاران امکان فراهم کنند که این کارها انجام گیرد.^۱

من به همه جوانان و همه کسانی که در راه علم حرکت می‌کنند، مؤکداً توصیه می‌کنم که رشته علم و تحقیق و نوآوری در دانش و زنده کردن روح ابتکار و خلاقیت و آفرینش درونی و حقیقی خود را رها نکنند. فعالیت و ابتکار و نوآوری و خلاقیت، اساس پیشرفت انسان و زندگی انسانی است. دست‌نشاندهای دستگاه‌های قدرت در گذشته در کشور ما و امروز در بسیاری از کشورهای وابسته این منطقه سعی می‌کنند تقلید را جایگزین فعالیت و ابتکار کنند. شما می‌بینید کارخانه‌ای را به کشوری می‌دهند- البته پول گزافی هم از آن کشور می‌گیرند- اما ابتکار عمل دست خود آنهاست؛ امکان رشد و خلاقیت و نوآوری نمی‌دهند؛ کم‌اینکه در ایران طاغوتی دیروز ما این‌طور بود؛ اجازه نمی‌دادند نیروهای بالاستعداد داخلی در این میدان‌ها رشد کنند و پرورش یابند. امروز ورق برگشته است؛ نظام اسلامی میدان رشد را برای همه باز کرده است. ماییم و همتمان، ماییم و تلاشمان، ماییم

من معتقدم نوآوری باید در همه زمینه‌ها انجام گیرد. معنای نوآوری این نیست که ما اصول پذیرفته‌شده منطقی و عقلانی خودمان را زیر سؤال ببریم. معنای نوآوری، پیشرفت و تکامل در اموری است که رو به تکامل هستند.

نوآوری هم خودش فی‌نفسه یک ارزش نیست؛ نوآوری برحسب اقتضائات ارزش است. اگر چیز نویی بیاوریم که برحسب اقتضائات نباشد، چیز خوبی نیست.

لزوماً تشک کشتی یا میدان و زمین چمن فوتبال و امثال اینها نیست- البته آن هم جزو امکانات است و باید حتماً داشت و اگر نداریم به فکرش باشیم- اما آنچه ورزش عمومی و همگانی احتیاج دارد، همت ما و وجود فضایی است که بشود به این شکل در آن ورزش کرد و این خوشبختانه کم و بیش در همه جا هست.

برای ورزش تهرانی‌ها در این ارتفاعات البرز قرار داده است؛ ولی اکثراً استفاده نمی‌کنند. این ارتفاعات البرز را نه برایش پول داده‌ایم و نه کاری کرده‌ایم؛ پس برویم از این موهبت خدادادی استفاده کنیم. این ورزش است، این حرکت است؛ تحرک در سطح باز و هوای آزاد. تقریباً همه شهرهای کشور این امکانات مجانی را دارند. امکانات،

اقتضائات نباشد، چیز خوبی نیست. بدعت، یک نوآوری است؛ اما در شرع مقدس اسلام بد است. بنابراین، باید ابتکاراتی بر اساس نیازها و اقتضائات وجود داشته باشد. شما این را شامل همه چیز بکنید؛ بالاخره شما معیاری دارید که مسائل حوزوی چه قدر باشد، مسائل خارج حوزه و غیرحوزوی چه قدر باشد؛ این قابل تجدیدنظر است؛ یعنی هر وقتی انسان می‌تواند روی این تجدیدنظر بکند.^۵

آنچه برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه آرمانی محسوب می‌شود، این است که در زمینه مسائل علمی، نواندیش باشد. معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نواندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کل محیط علمی هم هست. البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرئت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است. هوش وافر، ذخیره علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به‌دست‌آوردن قدرت علمی، لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره انباشته علمی آنها هیچ جا کاربرد ندارد؛ کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلا نمی‌رساند. بنابراین جرئت علمی لازم است.^۶

یک نکته دیگر هم مسئله نوآوری و ابتکار و زیبایی است در تولیدات کشور. از جمله چیزهایی که باید مورد توجه قرار بگیرد، نوآوری کردن در همه تولیدات به صورت پی‌درپی و لحاظ حس، یعنی اشباع حس زیبایی‌شناسی در مصرف‌کننده است. این یکی از مسائل قابل توجه هست که بایستی به آن اهمیت بدهیم. من حقیقتاً از دوستانی که در این زمینه‌ها تلاش می‌کنند، کار می‌کنند، تشکر می‌کنم.^۷ نکته آخر راجع به این تواسیح است.

فکری و ذهنی ما، از جمله شما جامعه معلمین، بایستی پیش بروید. خدا هم ان‌شاءالله کمک خواهد کرد.^۲

نوآوری مخصوص یک عرصه خاصی نیست؛ در آزمایشگاه و مرکز تحقیقات، در کلاس درس، در حوزه علمیه، در دانشگاه، در کارگاه صنعتی، در محیط اداری، در منطقه کشاورزی و باغی و در همه‌جا، ابتکارات انسان‌های مبتکر و نوآور، می‌تواند هر کاری را یک گام پیش ببرد و در مجموع، کشور را از یک گذرگاه مهمی عبور بدهد.^۴

هر چیزی که امروز نو باشد، چند سال دیگر نو نیست. بایستی اقتضای نوبودن را در هر زمانی پیدا کرد؛ یعنی واقعاً گروهی مثل گروه‌های طرح و برنامه - که در واحدها و مجتمع‌های بزرگ هست - به دنبال این قضیه باشد. مثلاً در ستاد ارتش، اداره‌ای به نام «اداره پنجم» وجود دارد که کارش فقط همین است که هر روز نگاه کند ببیند این قالب و این ترکیبی که وجود دارد، کجایش کم است، کجایش زیاد است. ممکن است امروز همه چیز کامل باشد - کم و زیاد نباشد - اما فردا که نگاه می‌کنیم، ببینیم این قسمت زیادی است؛ یا این قسمت کج است؛ یا این خطی که این طوری کشیده شده، باید انحنایش کمتر یا بیشتر باشد. خوب است که یک گروه طرح و برنامه که داریم در فکر نوآوری برحسب اقتضا باشد. نوآوری هم خودش فی‌نفسه یک ارزش نیست؛ نوآوری برحسب اقتضائات ارزش است. اگر چیز نویی بیاوریم که برحسب

و ابتکار و خلاقیت‌مان که بتوانیم. اگر تلاش کردیم، به نتیجه خواهیم رسید؛ این وعده لایتخلف الهی است. اگر تلاش نکنیم، اگر کوتاهی کنیم، اگر خطوط معنوی و اخلاقی را در پیشرفت مادی به دست فراموشی بسپاریم، البته رحمت الهی از ما سلب خواهد شد. ما باید رحمت الهی را برای خود جلب کنیم.^۲

اگر بیست سال پیش در این کشور کسی می‌گفت که یک روزی جوان‌های ایرانی خواهند توانست خودشان بدون اینکه رفته باشند جایی آموزش دیده باشند، از آموزش‌های پراکنده و با فعالیت و ابتکار ذهنی خودشان می‌توانند سانتریفیوژ درست کنند و اورانیوم را در مسیر غنی‌شدن قرار دهند و از اورانیوم انرژی برق تولید کنند، در بین هزار نفر یک نفر باور نمی‌کرد. اولین کسانی هم که رد می‌کردند، متخصصین و درس‌خوانده‌ها بودند. می‌گفتند آقا! نمی‌شود؛ مگر چنین چیزی ممکن است؟! ملت ایران ثابت کرد که می‌تواند. در همه زمینه‌ها اینگونه است. این یکی بروز کرده است؛ گل کرده است در دنیا. در همه رشته‌ها این ملت این استعداد را دارد؛ این شوق را هم دارد؛ این گستاخی و شجاعت را هم دارد که وارد این میدان‌ها شود... خوب، اینکه معلوم است، خیلی از چیزهای دیگر هم حق مسلم شماست.

معنای نوآوری که عرض کردیم، این است. با فکر نوآوری، در راه نوآوری، با عزم بر نوآوری جوان‌های ما، ملت ما، فعالان



معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نواندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کل محیط علمی هم هست.

امروز نظام اسلامی میدان رشد را برای همه باز کرده است. ماییم و همتان، ماییم و تلاشمان، ماییم و ابتکار و خلاقیتان.

از صداهای آنها کمتر نیست. هیچ لزومی ندارد که چون «طه الفشنی» یا دیگران این قصیده را خوانده‌اند، ما هم همیشه تا آخر همین را بخوانیم. البته اگر در شروع کار از آنها یاد گرفتیم، عیبی ندارد؛ اما انسان تا آخر که نباید همیشه تقلید بکند؛ باید نوآوری بکند. در مدح رسول اکرم و در مدح ائمه (علیهم‌السلام)، در مدح ماه رمضان، در مدح قرآن، درباره قرآن و در مناجات باری تعالی، شعرهای بسیار خوب عربی ممتازی وجود دارد؛ اینها را بخوانید. امیدواریم که ان‌شاءالله روزبه‌روز این کار پیشرفت کند.^۸

پی‌نوشت‌ها

۱. بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر ۱۳۷۷.
۲. بیانات در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸.
۳. بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲.
۴. بیانات در دیدار مردم شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۱.
۵. بیانات در دیدار مسئولان مجله حوزه، ۱۳۷۰/۱۱/۲۸.
۶. بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.
۷. بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۰۶/۱۶.
۸. بیانات در پایان مراسم قرائت قرآنی قرآن، ۱۳۷۰/۱۲/۲۷.

من خیلی خوشحال شدم از اینکه دیدم برادران مشهدی ما الحمدلله این نوآوری را کردند و آمدند شعر نو و آهنگ نو خواندند. البته چیزهایی از این تواشیح خیلی عربی است و ماها نمی‌فهمیم؛ عیبی هم ندارد و ما هم نفی نمی‌کنیم؛ اما آن چیزی که بسیار خوب است، این است که سبک، نوست؛ شعر، نوست؛ دیگر تقلید محض از دیگران نیست. من غالباً به این برادرانی هم که در تهران مشغول هستند و همین گروه‌های تواشیح و همخوانی را دارند- که انصافاً هم بسیار خوبند- گفته‌ام که این قرآن خوانی مشترکی که شماها دارید، خیلی عالی است؛ واقعاً در دنیا کم‌نظیر است که این‌طور هفت، هشت نفر با هم همخوانی دارند؛ اما در زمینه این آهنگ‌ها و سرودهایی که درباره توحید و حضرت ختمی مرتبت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و یا راجع به موضوعات دیگر است، باید نوآوری کنید. شما این قصیده «برده» و «لامیة‌العجم» و قصاید شیخ کاظم آذری و این قصاید معروف عربی را که در هر محفل عربی بخوانید و در آنجا چهار نفر آدم عربی‌دان باشند، تا بیت اولش را خواندید، همه می‌فهمند که اصلاً شما چه می‌خواهید بخوانید؛ قصیده برایشان روشن است؛ این قصیده خوب است؛ آن وقت شما این را با آهنگ ابتکاری بخوانید؛ همین‌طور که الان این برادران با آهنگ جدید خواندند. صداهای شما هم الحمدلله